به نام خدای مهربان

آینده!

سهم من؟



آیامی‌دانیم،

تازمانی‌که ازخودمان پرسش نکنیمْ مغزمان، همواره برهمان شیوهٔ قبلی‌عمل‌می‌کند؟!
و همواره چه بسا دچارِ توهمِ دانائی!

چه کنیم؟

آشنائی زدائی! چگونه؟ با پرسش، با مطالعه، با تفکرِ نو و پویا! مبتنی بر تجربهٔ زیسته!

تا اصلاحِ عمل!

و اصلاحِ عمل هم، بدونِ تحولِ نگرشْ ممکن نیست!

اما پرسش‌ها...

آموزش یا یادگیری؟

- راهبردِ ما؟! نگرشی! تولیدِ رضایت؟ یا کنترلِ نارضایتی؟! ..... دیوار یا پُل؟ ..... اکنون یا آینده؟ .....
- پیشگیری یا درمان؟ چگونه؟ .....
- سخت کارکردن، یا هوشمندانه کارکردن؟! چگونه؟ ..... آیا من بچه ها را می شناسم؟ .....
- تمرکز بر مشکلْ یا بر راهِ حل؟! ..... حال، بچه‌ها بخشی از مشکل‌اندْ یا راه‌حل؟ .....
- بچه‌ها! مهم‌ترند یا کتاب، تدریس، محتوا و برنامهٔ درسی؟ و آیا این ها هدف اند یا وسیله؟ .....
- مسئلهٔ اصلی ما به عنوان معلم چیست؟..... ما معلمان! کارگزارانی فکوریم، با تاملْ و حکمتْ(کارهایِ عملیِ ماندگار) یا تکنسین/کاربر!؟ .....
- چرا بچه ها مدرسه را دوست ندارند...؟چون ..... را دوست دارند.
- رویکرد ما؟ ..... اگر انتقالی است. گوگل و.... هوش مصنوعی جایگزین شده؟ نقش ما چه می شود؟
- تاثیرهوش‌مصنوعی در کارِ من چه بوده و در طرح و برنامهٔ سالِ جدیدم برای ارتباط،آموزش ویادگیری چه‌خواهد بود؟ .....
- صبروشکیبائی ماچقدراست؟ وقتی از بچه سوال می‌کنیم. آیا می‌خواهیم زود جواب بدهد یا نه؟ چرا!؟ ..... با اشتباهِ کودک چه می‌کنیم؟ .....
- بزرگوارْمربی/معلم! آیا بودنِ‌مان به‌کسی آرامش می‌دهد؟ این نشانهٔ‌چیست؟ .....
- راستی! چرا بچه‌ها باید به درس/حرفِ من گوش فرادهند؟ ..... چرا نباید یادگیری برپایهٔ اطلاعات، دانش و تجربهٔ بچه‌ها! باشد؟ .....
- اصلا،چه‌چیزی ارزش‌یادگیری‌دارد؟! ..... چه آموزشی ارزشمند است؟ .....
- چرا مدرسه؟..... شکل گیری این نوع مدرسه؟.....
- یادگیری .....ذاتی ....ارتباطی.....؟ یادگیری در مدرسه؟ ..... چرا بچه‌ها یادنمی‌گیرند؟ چون ..... پس‌چه‌کنیم؟ .....
- .....؟

یادگیری؟ ذاتی! ارتباطی! کدام؟ و چرا؟

پس چه می توان کرد؟ کاری کنیم که **بخواهند!** چگونه؟ با **ارتباط!**

۱. ارتباط! هرکاری می خواهیم بکنیم بررسی کنیم: آیا با این کار، به او نزدیک تر می شوم یا دورتر؟ چگونه؟

با **پرهیز از رفتارهایِمخربِروابطانسانی** چون؛

عیب‌جویی(انتقاد)/سرزنش/شِکوه‌وگلایه/نق‌وغرغر/تهدید/تنبیه/برچسب‌زدن/بی‌اعتنایی/به‌ویژه **مقایسه‌ورقابت!**

و رعایتِ رفتارهایسازندهٔروابطانسانی چون؛

گوش‌سپردن/ حمایت/شوق‌آوری/ احترام/ اعتماد/ پذیرش/ گفت وگو(مذاکره)؛ با او، تا **ارتباطِمؤثروهوشمندانه** به دنبالِ

برقراریِ **اعتماد** و **اعتماد** را رفتارهایِ **دوستانه، منصفانه، قاطعانه.** لیک **قاطعیتی عاشقانه!** می سازد.

وظیفهٔ اصلی ما در این برههٔ حساسِ عصر و نسل چیست؟

- **ارتباط!** و مراقبت از آن با عشق!

و از عناصر موثر در ارتباط! عشق(توجه، معرفت،احترام،مسئولیت، تمام!)

- **توجه،** تا یادآوری کنم که من چگونه در سن او! دنیا را می دیدم و به ما امکان دسترسی بیشتر به نگرش ها و احساسات بچه ها را در زندگی خود می دهد. همدلی و شفقت با تفکر مراقبتی!

- **معرفت،** بهادادن به نظروگفتهٔ بچه‌ها، و درخواست راه حل! که جزاین، بی معرفتی است. عشق را بی معرفت معنا مکن!

- **احترام،** او راهمان‌طورکه هست ببینیم و بپذیریم(**پذیرش**)بادر نظرگرفتن خواسته‌ها و نیازهای او؛ و نیز سعی نکنیم او را به دلخواه خود، محدود و منزوی کنیم!

- **مسئولیت،** به این معنا که در برابر او احساس مسئولیت کرده و کاری نکنیم که او و آیندهٔ او را به خطر افکنیم.

یادگیری؟ ذاتی! ارتباطی! کدام؟ و چرا؟

- اگر **ذاتی** است پس چرا یادنمی گیرند؟ نمی خواهند یا نمی توانند؟ ..... **یادگیری** چونان نفس کشیدن ضروری است!
- اگر نمی خواهند! پس کاری کنیم که **بخواهند**. چگونه؟ **ارتباطی!** برقراری ارتباط ومراقبت ازآن. (با مانع شدن از تخریب روابط با معلم /مدرسه/همکلاسی ها و خانواده!)
- دراختیار قراردادنِ فرصتِ یادگیریِ آزادانه (آموزشِ خودراهبر) تا با ریتم طبیعی و انتخاب خودشانْ یادبگیرند.
- باتحریکِ کنجکاوی(که شوق آوراست) / بازیگوشی/پرسشگری! با دست ورزی،کاوشگری! نه فقط تکرارکه می شود مهارت!
- حذف نگرانی برای آزمون، نمره و خ خ و نیز توجه به احساساتِ پشتِ رفتارهای بچه ها: کاش معلمم می دانست!
- چه چیزی را یادبگیریم؟ مرتبط با زندگی آن هم آگاهانه نقاد خلاق ...
- به رسمیت شناختنِ دانش تجربه(تمام حسی) و تأملِ پیشین و آوردهٔ بچه ها تا دیده و شنیده شوند.
- تغییر روش های کم بازده با تفکرِنقاد که این کارهائی که تا به حال کرده ایم آیا نتیجه داشته و...؟ **با مکثی ارادی!**
- با بازی، شادی، نشاط و حرکت در طبیعت، توجه به خواب، اشتباه کردن خوردن و آشامیدن با اطلاع به دستشویی رفتن نه با اجازه!
- با به رسمیت شناختنِ اصل تفاوت هایِ فردی! و دوری از روشِ یکسان نگریِ نظامِ آموزشی!
- کارهای آزادانه خلاقانه نقادانه بر پایهٔ علائق و روش های خودشان
- **مسئولیت ما فراهم کردنِ محیط غنی مرتبط با زندگی مدیریت انگیزه و...**

۲. در فرهنگِ قرآنی ما؛

ارتباطِ مهرورزانه بر سه اصلِ گذشت حمایت مشورت(گفت و گو)... استوار است.

- **ارتباطِ مهرورزانه!** که‌جزاین، با تندخوئی وسنگ‌دلی، از گِردمان پراکنده و ارتباط شکل‌نمی‌گیرد. پس اگر خطائی از او سر زد!
- **گذشت!** و آن وقتی معنا می یابد که وی، رفتارِ ناپسندی بروز دهد. و از پسِ اشتباه و خطایش، وی را
- **حمایت!** و آن هنگامی است که اگر بخواهیم او رفتاری نیک داشته باشد. باید **شخصیت** او را**حمایت** کنیم. و برای اصلاحِ **رفتارش!**
- **مشاورت،** با گفت‌وگو، تا به‌انتخاب راه‌حلِ اصلاحی، با نظرخواهی از خود او برسیم. تا او شنیده و دیده شود. و در صورت رعایت نکردن، با صبوری! و دوباره حلقهٔ زیستِ یادگیریِ چهارگانه! و چون این رسالت! بر عهده گرفتی، **معلم!** پایدار باش!

فَاسْتَقِمْ كَمَا أُمِرْتَ!۱۱۲هود

۳. با **نظرخواهی** از خودشان!

دربارهٔ همه چیز مربوط به بچه ها !

• والعصر، عصرِ؟ انسان، نسلِ؟

می‌خواهیم در کلاس و مدرسهٔ ما چه اتفاقی بیفتد؟

کودک کیست؟ می‌خواهیم چکارش کنیم؟

تغییرش دهیم یا بیشتر بفهمیم‌اش!؟...

۴. بشناسیم اش! از زبانِ خودش:

زبانِ حالِ کودک!

من انسانم!

معجزه ای از میلیاردها معجزهٔ تولد! لیک منحصر به فرد! یونیک! همواره در حال یادگیری!

در سفری فوق العاده من راهم را پیدا می کنم و با آزادی، انتخاب کرده ومسئولیت آنرا برعهده می گیرم. **آگاهم کن!**

رویاهای بزرگی دارم فرصت ها را می بینم با کنجکاوی پی پایان، با حس کشف! تجربه تا یادگیری!

احساس شگفتی دارم! طبیعت، مرا شگفت زده می کند!

من بازیگوشم! من خلاقم! **شلختگی هایم را به حسابِ خلاقیتم بگذارید!** تا خلاقانه، به خودتنظیمی و انضباط برسم!

من انسانم! نه پی عیب! در حال تجربه ام و از تجربه ها می آموزم! **فضا و محیطی غنی برایم فراهم کن!**

من انسانم! چه بسا با حرف هایم رفتارم گفتارم و حتا سکوتم دیگران را می آزارم!

گاهی هم از دستِ دیگران ناراحت و دل آزارم!

من انسانم! گاهی ممکن است از ناشناخته ها بترسم، بهراسم و از تجربهٔ چیزهای جدید واهمه داشته باشم.

حامی ام باش! با **همدلی** با **شفقت!**

به گاه ناراحتی دلم می گیرد و از دوستی هایم شاد می شوم!

من انسانم! نیازمندِ آرامش!

من تنها نیستم من با دوستانم، خانواده ام و جهان، ارتباط دارم!

من انسانم! و به خود یادآوری می کنم که می توانم تصمیم های درست بگیرم! من می توانم به پیش بروم!

من اشتباه می کنم و از اشتباهاتم درس می گیرم تاتصمیمهای نامناسب را بافکرکردن به تصمیمی بهتر تغییر دهم!

با مهربانی می توانم یک روز بد را به یک روز عالی تغییر دهم! **با من مهربان باش!**

تا من هم مهربان باشم و به دیگران کمک کنم! می توانم با دیگران برخوردی عادلانه داشته باشم!

من انسانم! اما تجربیاتم، مهارت هایم به اندازهٔ بزرگ ترها نیست.

من می توانم انتخاب کنم که به جای دعواکردن بادیگران، باآنان گفت وگو!کنم،تابافهمِ دیگری! باهم به توافق برسیم!

من می توانم بگویم متاسفم و درخواستِ پوزش و بخشش کنم!

مهم این است که این ها را، درباره **خودم!** از دیگران هم با محبت و صبوری ببینم!

من انسانم! مرا **ببین!** مرا **بشنو!** از من در کارها **نظربخواه!** به ویژه در کارهای خودم، با من به **گفت و گو** بنشین!تا...

ما همگی انسانیم! بنی آدم اعضای یک پیکرند! : توحید!

و من هم چنان تلاش می کنم بهترین خودم باشم! و باهم جهان را به جای بهتر و امن تری برای همگان بسازیم!

من انسانم!

با **امید!** پیش به سوی **آینده!**

هشدار!

- اگر بچه‌ها را مدتی مجبور کنیم چیزهایی بیاموزند که به آن ها علاقه ندارند!

پس از مدتی معمولا، ما آن توانمندیِ طبیعیْ برای یادگیری را به بی‌رغبتی! کشانده‌ایم.

آموزشِ رسمی هم!، پاسخِ کنجکاوی و پرسشگریِ او نیست!

و چه بسا ربطی به هدف ها و نیازهایِ او در حالِ حاضر ندارد.

آیا نظامِ آموزشیِ ما جز این است؟ به هدف های خودش کار دارد به هدف های بچه ها، هرگز!

نقش معلم است که با..... هدف ها را به هم نزدیک کند. چگونه؟

با نظرخواهی از بچه ها و با طراحی و فراهم آوری محیطی غنی که کودک با علاقه، احساسِ نیاز کند. تحریکِ کنجکاوی!

برای آموزشِ در کلاس و مدرسه

۵. بها دادن به دانش و تجربهٔ پیشینِ بچه‌ها!

خواندن!

- **کودکان خودْ خواندن را یاد می‌گیرند؛ در فرهنگ ما تصور عموم آن است که باید خواندن را به کودکان آموخت.**
- **حال آن که، خواندنِ بدون مدرسه رفتنْ برگرفته از شواهد: مسیر و سنِ قابلِ پیش بینی که کودکان طبق آن خواندن را بیاموزند، وجود ندارد. شخصی سازیْ یعنی همین!** یکی از هفت اصل یادگیری!

نکته! اصلا سواد چیست؟ و ما چگونه یادمی‌گیریم؟

سواد، چیزی نیست که‌کودک باید **آموزش** ببیند!

- بل،تمرینی‌است**اجتماعی**که‌کودک**درونِ‌آن**قرارمی‌گیرد! **طراحیِ‌موقعیتِ‌واقعی!** مثلِ **بازی!**
- و **آن چه امروز، کودک با مداخلهٔ مؤثر، داربستی یا میانجی‌گریِ والدین/معلمان و... انجام می‌دهد، به شرطِ آن که او بخواهد! فردا می‌تواند خود به تنهائی انجام‌اش دهد. همانندِ شنا، دوچرخه سواری، رانندگی، آشپزی، خواندن، نوشتن و...**

۶. **یادگیری** با ۳Hو Feet تا ۴H! و سلامتِ روان!

- **یادگیری**ْبه‌تجربهٔ**دست‌ها** **Hands**(توانایِ‌عمل‌وبه‌کارگیریِ‌مهارت‌ها)،**پاها** **Feet** (حرکت،مشارکت وحضوردرجهان/طبیعت! که **ریاضیاتْ زبانِ طبیعت است.**)، **سَر** **Head**/**مغز** (دانستن‌وفهمیدنِ)و**قلب** **Heart**(باورها، ارزش‌ها،نگرش‌هاو احساسات) و **بدنمند** **Embodiment** (زیرا، بدن در ساختِ تفکر نقش دارد.) امکان‌پذیراستْ که به**سلامتِ** **Health** **روان‌وجسم!** می‌انجامد. و **زیست-یادگیریْ** همانا فراهم‌آوریِ**محیطی غنی و فرصتِ یادگیری**است برایِ‌کارکردِ آگاهانه وعامدانه و**هماهنگیِ طبیعیِ** ***Feet*** و***4H*** است.

زیرا، **یادگیری نه مقصد، نه هدف، نه پروژه، بلکه پیامدِ طبیعیِ زیستن است!**

- **ما وقتی یاد می‌دهیم، بچه‌ها یاد نمی‌گیرند!**
- مثلِ یادگیریِ زبان! ***بچه ها زبان و... را فقط از طریق مجاورت با آن جذب می کنیم(اسفنج‌وار/یادگیری اُسمُزی).***
- **و** درس‌ها اگر از **زندگیِ واقعی** شروع شود و نیز **دانش** و**تجربهٔ‌پیشینِ** هرکسی به**رسمیت** شناخته شود و **توسعه** یابدْ آنگاه، **معنا** یافته و **یادگیری** اتفاق می اُفتد.

چرا مدرسه به این شکل، شکل گرفت؟

- بر اساسِ **الگوی پُروس (کارخانجات قرن ۱۹) که ماهم‌آن‌را مدرسهٔ‌کارخانه‌ای می‌نامیم! نه سنتی و...**
- **ریشه‌هایِ تاریخیِ مدرسهٔ‌اجباری،** از آمریکا تا... بر اساسِ **الگوی پُروس،** طراحی شده به هدفِ تولیدِ**کارگرانِ مطیع** برای**کارخانه‌ها** و **شهروندانی قابلِ کنترل** برای **حکومت‌ها** با **زمان‌بندیِ زنگ‌ها، کلاس‌هایِ هم‌سن، نظمِ‌مکانیکی، آزمون‌های استاندارد، وابستگی‌به‌نمره، تفکیکِ بچه‌ها از خانواده، جامعه و طبیعت!**
- این ساختار برای **آموزشِ خلاقیت، استقلال** یا **تفکرِ انتقادی ساخته نشده!** بل، برای تولیدِ شهروندانِ **قابلِ‌مدیریت** و **فرمانبردار!** شکل‌گرفته است. که بسیاری از طراحانِ اولیهٔ مدرسه، به‌طور آشکارا گفته‌اند:

آموزش نباید کودکان را بیش از حد آزاد یا **خلاق** کند!

- **این مدرسه! خلاقیت** و **ریسک‌پذیری** را **سرکوب** می‌کند. با ساختاری **یکسان!** انضباطِ رسمی و **ترس** از **اشتباه!** و...

آیا نظر طراحانِ اولیه برای ما هم اکنون، آشنا نیست؟

- **سوال مهم بچه ها!** چرا آموزش اصلا این طوریه چرا مدرسه این طوریه؟ مگر زندانه که همش اجبارِه و...؟!

۷. آزادی برایِ یادگیری

- **در مدرسه** جلویِ **کنجکاوی، بازیگوشی** و **گفت‌وگوی هدفمند و با ارزش** گرفته می‌شود، حال آن که تمام این‌ها نیاز به **آزادی** دارد.
- **بازیگوشی(محرکی برای بازی‌کردن) و کنجکاوی(محرکِ تجربه و ابداع) و مکملِ آن،** در خدمتِ **هدف هایِ آموزشیِ منجر به یادگیری** است. **کنجکاوی** باعث می‌شود **بچه‌ها به دنبال دانش و درک جدید** باشند . و **بازیگوشی** موجب می‌شود که **آن‌هاْ مهارت‌هایِ جدیدی را تجربه‌کنند و از این مهارت‌ها، خلاقانه استفاده ببرند.**

هشدار!

۸. آیا بچه ها می توانند به کارها و برنامه های مدرسه نه بگویند؟

هشدار! وقتی بچه/کودک/دانش آموز به ما **نه!** گفت. **شادمان شویم!**

و بعد، **در زمانِ مناسب وتوافقیْ باکودک!** دربارۀ **نه**گفتن‌اش باهم **گفت‌وگو**کنیم. (به ویژه به ناگفته هایش گوش کنیم!) **که نه گفتن!** چه‌بسا **یکی،** اعتمادبه‌معلم، **دو** نشانِ **استقلالِ او** و... است.

و **نکتۀمهم‌تر**، اماْ کودکی که نتواند **نه!** بگوید دچار **استرس** می‌شود و باتکرارِ آن، **استرسْ** مُزمِن‌شده و بیماری هایِ جانکاهیْ چون بیماریِ **آرتریدروماتوئید، پینه‌خوردگی** و **تصلب پوست(اسکلرودرمی)**، MS و... را به دنبال دارد. و آن، **وقتی** است که به جای **نه گفتنِ او! بدنِ او! نهْ می‌گوید!** این **بهایِ استرسِ پنهانْ!** است. گبور مته

- **چاره:** القای اعتماد و اتکا به توانایی درونی برای التیامِ او، به این گونه که پزشک، مادر و پدر، معلم، می‌بایست برای تأثیرگذاریْ به ناگفته‌های او گوش داده تا **ارتباط** برقرارکند. گبور مته

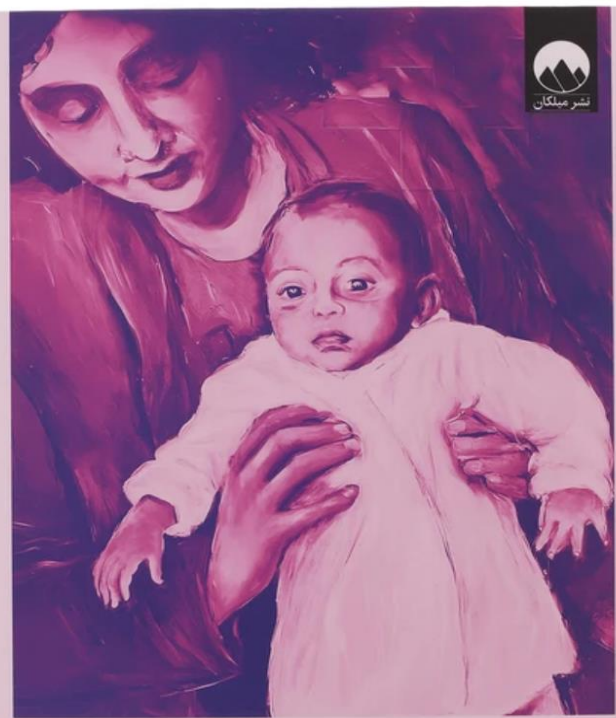

وقتی بدن نه می‌گوید

بهای استرس پنهان

گبور مته

ترجمه‌ی فهیمه بختیاری

نکته!

کودکان همه عاشق یادگیری اند ولی اکثراً از مدرسه بیزار و فراری. چرا؟

زیرا، میانِ **کودکِ کنجکاوِ تشنهٔ یادگیری** و **نظامِ آموزشِ رسمیْ شکافِ بزرگی** است.

۹. چاره؟ بازیِ آزادانه و **بدونِ نظارت!** به یادگیریِ خودانگیخته و اعتماد به نفسِ **کودکانْ** کمک می‌کند.

با تکیه بر همین یافته بکوشیم

مسیریِ طبیعیْ ترسیم کنیم که **کودکان** در آن فرصتِ خودآموزی **(آموزشِ خوراهبر)** بیابند.

هشدار!

نادیده‌انگاشتن وجدی نگرفتنِ **ارزشِ اجتماعی، جسمی و اخلاقیِ بازی!** و ریشه‌ها و پیامدهایِ کم ترْ **بازی کردنْ** در دهه‌های اخیر!

سببِ انگ و برچسب‌هایِ **کم‌توجهی-بیش فعالی** به شخصیتِ عزیزان‌مان شده است.

بیش‌فعالی ADHD نه یک **اختلال**، بلکه یک **تنوعِ شخصیتیِ ارزشمند و طبیعی!** است که تنها در **محیط مدرسه مشکل‌ساز** می‌شود!

و با **آموزشِ خودراهبر!** تداخلی ندارد.

نکته!

- **بچه‌ها... آموزش پذیر نیستند! بل، خودیادگیرنده اند!**

آموزشی هم اگر لازم شد، آموزشِ خودراهبر!

۱۰. مهارت‌های تفکر!

تفکرنقاد یا اندیشهٔسنجشگرانه، **تفکر**خلاق، **تفکر**مراقبتی و **تفکر**مشارکتی.

- **مهم، یکپارچگی و پرورش این چهار تفکر باهم!(ضرورتِ تفکرسیستمی) افراط و تفریط ممنوع!**
- **بهترین کمک به بچه ها، این است که اجازه ندهید به حرف‌های تان گوش بدهند! مگر با تفکر انتقادی!** زیرا **دنیایِ پیش‌رو چنان درحالِ تغییر است که چه‌بسا بسیاری آموخته‌های پیشین برای آنان سودی نخواهد داشت.**
- تجربه‌های سابق‌مان (و همچنین تجربه‌های سابق کل بشریّت) راهنمای چندان قابلِ اعتمادی نخواهد بود. هم تک‌تک انسان‌ها و هم کلِ نوع بشرْ

روزبه‌روز باید با چیزهایِ بیش‌تری سروکله بزنند که تاکنون پیش روی هیچ‌کس‌نبوده‌است.

نمونه برای تفکرِ مراقبتی! ودلبستگیِ ایمن!

- **کودکانی که در وضعیت اجتماعی اقتصادی و عاطفیِ ضعیفی قرار دارند بیشتر اوقات مهارت‌ها و مطالبی که در کلاس آموزش داده می‌شود را از دست می‌دهند. ممکن است معلمان این طورفکرکنند که این بچه ها به‌کلاس علاقه‌ای ندارند یا اهمیتی برآن، قائل نیستند، اما واقعیت این است که این عزیزان! آن‌قدر در کلاس حضور ندارند که بتوانند پابه‌پای آن پیش بیایند .**

- یکی از جاهایی که کودک می تواند تروماها و خشم‌اش را تخلیه کند مدرسه و کلاس است.

با شمای معلم! کاری نداره، این جا احساسِ امنیت می کند!

کاش معلمم می‌دانست!

دیشب چه بر من‌گذشتهْ تاثیر بحران بر منْ من همه‌اش درعدم قطعیت و پیش بینی‌ناپذیری سیرمی‌کنم!

امروز نمی دانم به خانه بازگردمْ مادر دارم؟! یا... و...

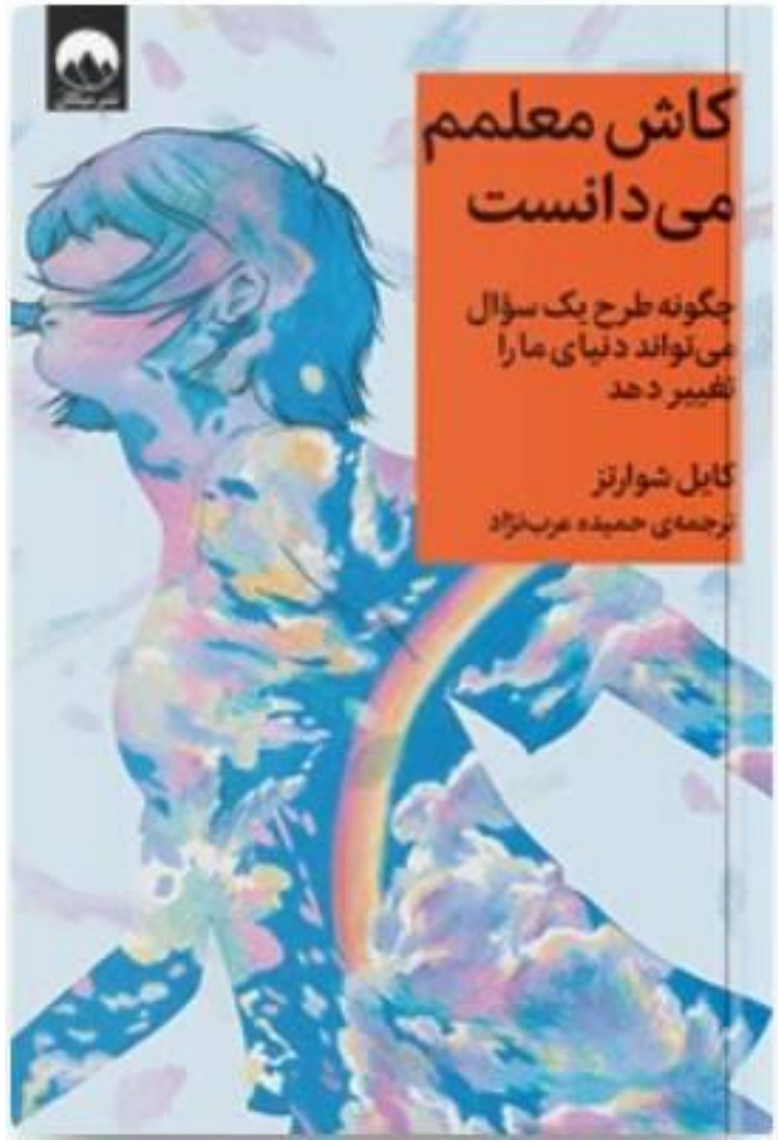
کاش معلمم
می‌دانست
چگونه طرح یک سؤال
می‌تواند دنیای ما را
تغییر دهد
کایل شوارتز
ترجمه‌ی حمیده عرب‌نژاد

آه!

- دنیای ما چقدر قوی و بهتر می‌بود
- اگر بچه‌هایی داشتیم که از ریسک کردن نمی‌ترسیدند.
- از فکر کردن نمی‌ترسیدند.
- و یک حامی در زندگی خود داشتند؟ هر بچه ای یک حامی می‌خواهد،
- بزرگ‌سالی که به خاطر آن‌ها هیچ‌گاه از پا نمی‌افتد، کسی که قدرتِ ارتباط را درک می‌کندْ
- و اصرار می کند که آن‌ها می‌توانند در هر زمینه‌ای که قابلیت(علاقه و استعداد) دارند با شایستگی و صلاحیت! جزو بهترین‌ها شوند!
- آیا منْ این‌گونه‌ام؟

بچه ها مشاهده گرِ مایند!

طنز۱.ساختمان تجربه۲.کودکانِ خودراهبر!

- کودک/دانش‌آموز/بچه/بزرگ سال!

انسان اند!

و همگی شایستهٔ احترام و پذیرشِ کاملْ به عنوانِ

انسان!

۱۱. رازِ طلاییْ برای رشدِ **مغز!**

دوری از

تشویق با برچسبِ آفرین چه قدر باهوشی = سنگ شُدگی!؟

• برخی از ما وقتی می‌خواهیم بچه‌ها را تشویق کنیم، ناخودآگاه می‌گوئیم: **آفرینْ چه‌قدر با هوشی.**

اما این تشویق‌هایِ کلی(برچسب ها)، فقط یک جرقهٔ دوپامینیِ چندثانیه‌ای ایجاد می‌کند و چه بسا زود خاموش می‌شود. حتا بدتر؛ گاهی باعث می‌شودْ کودک برای حفظِ برچسبِ **باهوش بودن،** از چالش‌هایِ جدید **فرار**کند! و مانعِ **خلاقیت!**...

۱۲. توانمندی/شایستگی

توانمندی/شایستگی/خودباوری، اعتماد به نفس، می طلبد. **اطلاعات دادنِ صِرفْ بی‌فائده است**، پس چگونه؟

با

- **کارِگروهی**، با **گفت‌وگو و همکاری، بدون نگرانیِ بی‌نظمی!** که **حسِ توانمندیِ عجیبی برای یادگیری** می‌دهد.
- **دادنِ فرصتِ خودتنظیمی** تا **درکی از رفتارهایِ خود داشته باشد** و در نهایت **پرورشِ دلبستگی ایمن!**
- **توجه جدی به تفاوت های فردی!** مانعِ یکسان نگری! اگر دانش آموزی زودتر فرامی گیرد، **فرصتِ یادگیری** برایش مهیا کنیم مثلا به عنوان دستیارمعلم تا به دیگران کمک کند. نه این که تکلیف بیشتر به او بدهیم که تنفرآمیز است.

۱۳. توانمندی/شایستگی و... با ذهنیت رشد! ≠ ذهنیتِ ثابت!

- شکل گیری **ذهنیت رشد! افراد وقتی به این نقطهٔ یقین می رسند که توانایی‌هایشان می‌تواند با تلاش و سخت کوشیْ بیشترشود، احتمال پیشرفت آن‌ها نیزبه میزانِ بسیارزیادی افزایش پیدامی کند.** پژوهش هایی بنیادین نشان می‌دهد مداخلاتی ساده، می تواند **ذهنیت بچه‌ها**رابه شکلی مؤثر درراستایِ دستیابی به موفقیت بازسازی کند. ازجملهٔملزومات چنین **راهبردی**؛
- دقت در پیام‌هایی است که **ما به عنوان بزرگ‌تر** دربارهٔ **توانایی های کودکان به شکل مستقیم یا غیرمستقیم به آن‌ها *انتقال* می‌دهیم.** این که گاهی به صراحت یا کنایه به آن ها بفهمانیمْ **نمی‌توانند** موفق شوند، **به‌طور حتم می‌تواند نابود کننده باشد. و جالب اینجاست که ستایشِ هوشِ بالای آن‌ها نیز می‌تواند همین اثر منفی را داشته باشد.**
- نتایج پژوهش‌ها نشان می‌دهد **اگر به جای ستایشِ هوش و استعداد بچه‌ها که نتیجهٔ آن رضایتِ آنان از خودشان بوده و از سخت کوشیِ شان می‌کاهد،** آنان را به خاطر **تلاش‌هاو زحمات‌شان تشویق** کنیم**(یعنی دیده و شنیده شوند!) انگیزهٔ آنان برای یادگیری و موفقیت، بیش از پیش توسط خودشان با همراهی معلم، مدیریت شده و افزایش می‌یابد.** خانم پروفسورکارول دویک

۱۴. مشاهده! یکی از سه نقشِ اساسیِ معلم!

- **وقتی یه چیز زیبا در کسی مشاهده کردی، حتما بهش بگو؛** آینه وار!

شاید واسهٔ تو چندثانیه طول بکشه، اما برای اون میتونه یه عمر باقی بمونه...

- **نقشِ معلم!**

– طراحیِ موقعیت واقعی/طبیعی یادگیری

– مشاهده و ثبت شواهد

– اعتباربخشی با بازخورد بر پایهٔ شواهدِ ثبتی

داستان فیلم بید و باد

ما مدت‌هاست که یادمان رفتهْ باران تماشایی است!

- در **فیلم شاعرانه بید و باد** ساخته محمدعلی طالبی، **رضا اردکانی** دانش‌آموزی که به همراه خانواده اش به شمال کشور منتقل شده است وارد کلاس جدیدش می شود. بارانْ شروع به باریدن می کند و رضا که خیلی کم بارانْ دیده است محو تماشای باران می شود. **معلم** بارها صبورانه و با محبت تذکر می‌دهد که به درس توجه کند اما **بارانْ** مرتب نگاه رضا را می‌دُزدد و به سمت خود جلب می‌کند. در نهایت **معلم** از رضا می خواهد که از کلاس خارج شود و برای **تماشای باران** به حیاط مدرسه برود و یک دل سیر **باران** را تماشا کند. در ادامه جمله‌ای شنیدنی به دانش‌آموزان می‌گوید:

ما مدت‌هاست که یادمان رفته باران تماشایی است.

- **سه درس بزرگ، در این صحنه:**

۱. **کیفیتِ دیدن**(مشاهده) فراتر از نگاهِ سطحی است؛ تماشایِ باران برای رضا، فقط یک فعالیتِ حسی نیست، بلکه ادراکی وجودی است که تمامِ هستی اش را درگیر می کند. در **آموزشِ اصیل، دیدنِ شاعرانه از هر حفظیاتِ خشکی کارآمدتر است.**

۲. **نیازِ** لحظه ایِ دانش آموز اگر به درستی تشخیص داده شود، می تواند مسیرِ یادگیری را متحول کند. اگر معلم به این نیاز بی توجه می ماند، رضا در کلاس حاضر بود، اما روحش هزاران کیلومتر دورتر؛ چیزی یاد نمی‌گرفت.

۳. و مهمتر از همه، **جملهٔ پایانی معلم**، نقدی است بر روزمرگیِ نظام‌هایِ آموزشی که **شگفتی** را فدای **بهره‌وری** کرده‌اند. **معلمِ** این فیلم، **گرفتارِ برنامهٔ درسیِ از پیش تعیین شده نیست؛** او لحظه ای را تشخیص می‌دهد که **تجربهٔ مستقیمِ باران، ارزشمندترینِ آموزش‌هاست؛ چون باران خودش، هندسه و ریاضیاتِ حیات را به رضا می آموزد.**

- **این صحنه، پرسشی همیشگی پیش روی ما می‌گذارد:**

چقدر جرأت داریم که در کلاس درس، به جای اصرار بر تدریسِ بی وقفه، به **حیرتِ** دانش آموزان احترام بگذاریم و آن‌ها را به تماشایِ جهان بفرستیم؟ شاید **معلمِ واقعی** کسی است که بداند، **گاهی بهترین درس، بیرون از کلاس، زیر باران آغاز می‌شود.**

همه تغییر را دوست داریم! پس...

چرا اوضاع عوض نمی‌شود؟

- **دلیل‌اش** این است که **ماهم تغییری نکرده‌ایم**. برای این که**چیزی تغییرکند، ماهم باید تغییر کنیم.**
- طراحیِ**مغز** چون **آینه** است. بازتاب دهندهٔ محیطی است که درآن قرارگرفته، و فراتر ازآن **رشد** نمی کند.
- **اگر ما می‌خواهیم بچه‌های‌مان تغییرکنند و به روز باشند،**

باید هم خودمان و هم محیطی که بچه ها

هر روز در آن وقت می‌گذارنند را تغییر دهیم.

داستان، مسیر طبیعی یادگیری

• داستانِ شخصی که پیلهٔ پروانه را با بخار دهانش گرم کرد، تا آن پروانهٔ زیبا سریع‌تر پَر بگشاید، نیکوس کازانتزاکیس نویسنده کتابِ معروف "زوربای یونانی" بود! او این داستان غمناک را از روزگارِ کودکی خودش، چنین تعریف کرد:

"چون خروجِ پروانه از پیله طول می‌کشید، تصمیم گرفتم به این فرایند شتاب ببخشم. با حرارتِ دهانم پیله را گرم کردم، اما مدتی بعد از بیرون آمدن، پروانه که بال‌هایش هنوز بسته بود تاب نیاورد و مُرد. بلوغی صبورانه با یاریِ خورشید لازم بود، اما من انتظار کشیدن، نمی‌دانستم. آن جنازهٔ کوچک، تا به امروز یکی از سنگین‌ترین بارها بر رویِ وجدانم بوده، اما باعث شد بفهمم که فقط یک گناهِ بزرگ در این دنیا وجود دارد، و آن فشار آوردن بر قوانینِ هستی‌وطبیعت است.

آری!

... بُردباری لازم است و صبر، و نیز انتظارکشیدن و با اعتماد راهی را دنبال کردن که کائنات برایِ زندگیِ هریک از ما برگزیده است. اگر صبرکردن ندانیم، هزینهٔ سنگینی خواهیم پرداخت...

دانش بر اثرِ تکرارْ مهارت! و بر اثرِ کشفْ تجربهْ تأملْ یادگیری!

واگویه؟

- واگویه؟ آهسته با خود صحبت کردن.
- واگویه ها اثرات عمیقی بر فرد گوینده دارند.
- در دانشگاه MIT امریکا، پژوهشی انجام شده که طی آن متوجه شدند، اگر شما به‌خودتان فقط یک بار بگویید: **فلان کار را نمی‌توانم انجام دهم!**
- باید یک نفر دیگر ۱۷ بار به شما بگوید که **شمامی‌توانید آن کار را انجام دهید!** تا اثر همان یک بار راخنثی کند!
- قدرت نفوذِ کلام ما برای خودمان **هفده** مرتبه از قدرتِ کلام دیگران نسبت به ما قوی‌تر است!

- **معلّمان و مربیانِ دلسوز و با شفقت!**
  - همیشه سعی‌کرده‌اند دانشِ دانش‌آموزان را درسطحِ چندکتابِ مدرسه نگه ندارند.

و سعی بر آن دارند که، **زمینهٔ آموزشِ خودراهبر** در زندگی را برای بچه ها فراهم کنند.

- **آموزشِ‌خودراهبر**، آموزشی است‌که در آن یادگیرنده فقط **دریافت‌کنندهٔ آموزش** نیست، بلکه **در هدایتِ فرایندِ یادگیریِ خود نقش اصلی دارد**؛ یعنی تا حدِ متناسب با سن و توانایی‌اش، دربارهٔ **چه چیزی، چرا، چگونه، با چه منابعی و با چه معیاری** یاد بگیرد، تصمیم بگیرد و مسئولیت بپذیرد.

استراتژی/راهبردِ موثر در یادگیری؟

بازی!

نکته!

کودکانی که با دیگر بچه‌ها بازی می‌کنند، هویت خود را بهتر کشف می‌کنند.

آن‌ها از طریق **بازی** نقش‌هایِ متنوع، مقرراتِ اجتماعی و معیارهایِ تنظیم کردن رفتار را می‌آموزند.

کودک یادمی‌گیرد که به قواعدِ بازی، حتا زمانی که دلش چیزی دیگری می‌خواهدْ پایبند باشد.

شجاعت در عمل! فرزند بصیرت در نظر است!

اختلالِ کمبودِ طبیعت!

چاره؟

اردو ...

- در مدرسهٔ خوب بچه ها و معلمان!
- در آن احساس خوبی دارند!
- از آموختن خسته نمی شوند.
- گفت‌وگو در آن جریان دارد.
- آزمون محور نیست.
- موقع آمدن با ذوق و شوق و به هنگام رفتن ناراحت...!
- ...

نکته!

- جلسه با **اولیا** خوبه

اما پیش از آن،

جلسه با **بچه ها** خوب تر!

بدونِ واسطه!

- **می‌خواهیم یادگیری اتفاق بیفتد؟!**

بچه ها را برای فکر و نظرهایِ **اشتباه‌شان** حمایت‌کنیم تا بتوانند نتیجه‌اش را **تجربه** کنند.

که **یادگیریِ پایدار**، از **توسعهٔ تجربیات**(و لو اشتباه)، **کشف** و **تأمل** به دست می آید.

هوش مصنوعی!

- پژوهش دانشگاه MIT: هوش مصنوعی چگونه مغز را تنبل می‌کند؟مطالعه اخیر دانشمندان دانشگاه ام‌آی‌تی بر روی داوطلبانی که از چت‌بات‌ها برای کارهای شناختی نظیر نوشتن مقالات استفاده می‌کردند، حقایق تکان‌دهنده‌ای را فاش کرد. تصاویر مغزی نشان دادند که در زمان استفاده از هوش مصنوعی، **فعالیت نواحی مرتبط با خلاقیت در مغز به شدت کاهش می‌یابد.** بدتر از آن، حدود ۸۳ درصد از کاربرانی که از هوش مصنوعی استفاده کرده بودند، **پس از پایان کار حتا نتوانستند یک خط از مطلبی که خودشان با کمک ابزار تولید کرده بودند را به یاد بیاورند.** این تحقیق نشان داد که واگذاریِ تلاش‌های ذهنی به چت‌بات‌ها، مغز را از انجام کارهای فکری عمیق محروم کرده و مانع از یادگیریِ واقعی می‌شود.

- نظام آموزشی امروزی با کاهش زمان‌هایِ مطالعهٔ کلاسی و حذف مواجهه‌های فکریِ دشوار، عملاً به این عقب‌گردِ شناختی دامن زده است. کارشناسان هشدار می‌دهند که برای **نجاتِ تمرکز و تفکرِ انتقادی نسل‌های آینده، بازگرداندنِ فضاهایِ طبیعیِ بدون فناوری و اختصاصِ زمان‌های مطالعهٔ مستمر** در طول روز، **یک ضرورت حیاتی و غیرقابلِ چشم‌پوشی است.**

۱۵. ارزشیابی!

ما در ارزشیابی چه چیزی را می سنجیم؟ و چه چیزی را باید بسنجیم؟

- در **ارزشیابیِ نظامِ آموزشیِ رسمی!** معمولا **حافظهٔ** دانش‌آموز ارزیابی می‌شود! حال آن‌که برای **یادگیری!** می‌توان، **توانمندیِ** او را در **حلِ مساله، همکاری با دیگران، توانایی یافتنِ متخصصانِ موضوع و برقراریِ ارتباط با آنان و نیز استفاده ازیافته‌های آنان در رفع نیازهای خود و دیگران محک زد!**
- **برای این منظور چه بایدکرد؟** تشویقِ دانش‌آموزان به گفت و گو و همکاری با یکدیگر، به ویژه در جلسهٔ امتحان!!! که ازضروریاتِ این عصر و دارای اهمیت است.

- **چارهٔ اساسی؟** **اعتباربخشی با بازخورد بر پایهٔ شواهدِ ثبت شده در مشاهده!**

دانش‌آموز را پیش از آن که بخواهیم چیزی به او
بیاموزیم، باید ببینیم و بشنویم.

زیرا؛ ما نمی توانیم به کسی چیزی را که خودش از قبل
نمی داند بیاموزیم، و فقط می توانیم او را از آنچه می
داند باخبر و آگاه کنیم! و به دانسته های او
اعتبار بخشی کنیم با نظر خودش!

اگر غلط بود، تصحیح ،
اگر ناقص بود، تکمیل و
اگر درست بود، تایید!

تشکر از شکیبائی شما

10 مهارت

Top 10 skills of 2025

- Problem-solving
- Self-management
- Working with people
- Technology use and development



Analytical thinking and innovation



Active learning and learning strategies



Complex problem-solving



Critical thinking and analysis



Creativity, originality and initiative



Leadership and social influence

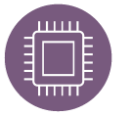

Technology use, monitoring and control



Technology design and programing



Resilience, stress tolerance and flexibility



Reasoning, problem-solving and ideation

WEF Future of Jobs 2020 report

10 مهارت برتر سال ۲۰۲۵

- Problem-solving
- Self-management
- Working with people
- Technology use and development

حل مسئله
خودمدیریتی
تعامل با افراد
استفاده و توسعه فناوری



کتاب ها و...

یادگیری آزاد/ آزادی برای یادگیری

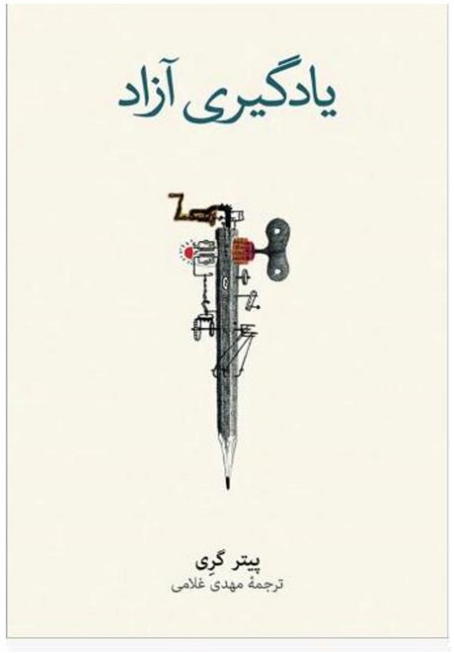

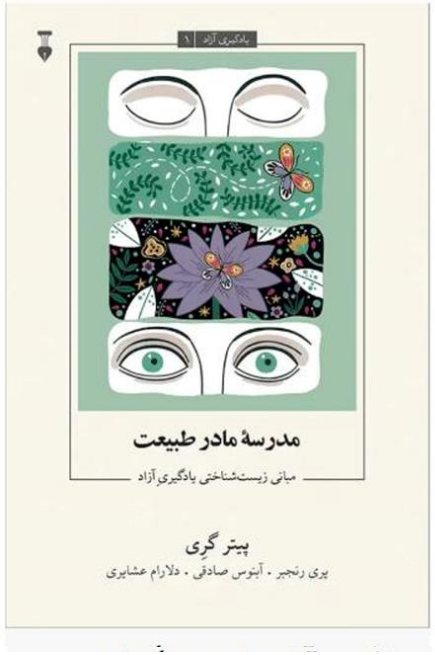



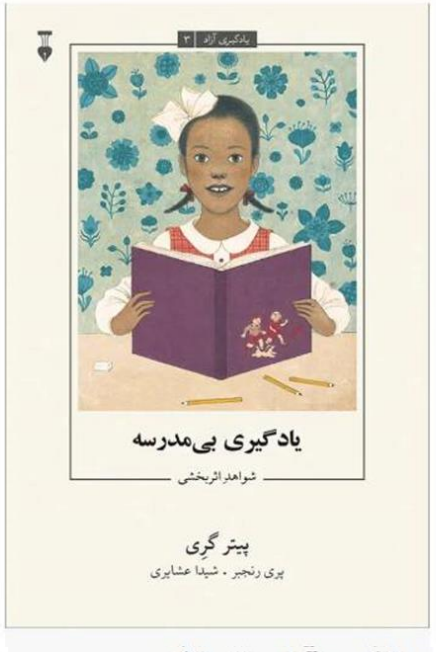



نسلِ مُضطرِب

چگونه بازآرائیِ بزرگِ دورانِ کودکی موجبِ همه گیریِ بیماری های روانی می شود؟



خواندن با نوزاد و نوپا
برای کشفِ واژه ها



فیلم جلوی کلاس



فیلم ها؛

سکسکه

ستارگان روی زمین،

مدرسه هندی،

معلم مثل مادر(ایرانی)

سی نابغه

آقا معلم

سریال ابوت المنتری در آپارات

جلوی کلاس

برام بی قرار،

مدرسه زندگی(فرانسوی)،

مشق شب(ایرانی)

ماتیلدا

معلمم را کوچک کردم

انیمیشن پسر موشِ کور روباه و اسب

رادیکال

پینوکیو ۳۰۰۰

بید و باد (ایرانی)

داستان ران کلارک

پسری که باد را رام کرد